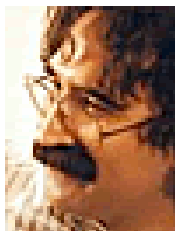


## شخم بر گور زندگان رانید

شعری از م. سحر



تمام است بی وقفه در کشور ما مکرر می شوند، شنیدم در میان خبرهای بد در بارهء حوادث شرم آوری که سی سال هجوم برده اند تا با شخم زدن آرامگاه قربانیان و کاشتن درخت بر خاک آنان به خیال که با بُلدزر به گلزار خاوران بیت ها به تأثیر از آن خود آثار جرم و جنایت حکومت سی سالهء خود را از زمین محو کنند و زهی خیال خام! این خبر تأسف بار سروده شد

شخم بر گور زندگان رانید

خاوران خار چشمِ نام شماست

دشمن خونیِ قوامِ شماست

حُکم ویرانی شما بی شک

حُکم بی شکِ انهدام شماست

گلزار بولدزر هایتان بر این

راوی ننگِ بی لجام شماست

یک جهان وحشتید و حق دارید

زانکه مستید و خون به جامِ شماست

سروها را به خاک افکندید

تلخی یادشان به کامِ شماست

گو گیاه و درخت بنشانند

!هر درختی که رُست، دام شماست

هر درختی که رُست، انسانی ست

که به دل دشمنِ دوامِ شماست

هی بسوزید، هی ستم توزید  
آدمی نیست آن که رام شماست  
جان آنان درخشش دل ما  
و آفتاب شما به بام شماست  
زنده گانند و مرگ نپذیرند  
!مُرده آن قاتل، آن امام شماست  
شخم بر گور زندگان رانید  
گور آنان نه زیر گام شماست  
گور آنان چراغ تاریخ است  
!روز آزادگان و شام شماست  
زندگی در کلام آنان زیست  
!مرگ، دروازهء کلام شماست  
بولدزر دارویی نهائی تان  
!واپسین شوق التیام شماست  
عاشقان زنده اند، و بر خاکند  
مرگ، تدبیر طبع خام شماست  
بازتاب حضور آنان است  
آنچه در قصد انتقام شماست  
باغ عشقتد و میوهء تاریخ  
نوش آنان ولی حرام شماست  
حفظ مسند کنید و شخم زنید  
!دوزخ قصه ها مقام شماست

پاریس ، ۲۰۰۹، ۱، ۱۹  
م. سحر

<http://msahar.blogspot.com>